

تحلیل

گورباچف:

احتمال تکرار ساربوی مصر در روسیه وجود دارد

رہبر شوروی سابق گفت:انقلاب‌های مردمی تونس و مصر بیانگر آن است که ظاهرسازی سیاسی و اقتصادی نمی‌تواند در مقابل آزادی‌های دموکراتیک مردم بایستد.

میخائیل گوباجف، رہبر شوروی سابق در مقاله‌ای در روزنامه اینترنشنال هرالڈ تربیین، نوشت: برای مدت‌ها تفکر سیاسی متعارف در خصوص جهان عرب بر پایه یک تقسیم‌بندی غلط بود: رژیم‌های خودکامه یا بنیادگرا و با افراط‌گرایی و تروریسم. گورباچف که با اصلاحاتش عامل فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ شد، در ادامه نوشت: چنین ترس‌هایی بر پایه بی‌اعتمادی مردم در کشورهای عربی است و تقاضا برای آزادی بیشتر لزوماً هرج و مرج و بنیادگرایی به همراه ندارد. مردمی که در میدان التحریر و سایر خیابان‌های قاهره تجمع کردند، خواستار خاتمه دادن به این وضعیت بودند. من اطمینان دارم که تمامی آنها از خودکامی و افراط گرایی ان‌زجار دارند.

مردم گفتند که نمی‌خواهند زیر یوغ دولت خودکامه‌ای باشند که چندین دهه است سکان قدرت کشور را در اختیار دارد. گورباچف که ماه آتی ۸۰ ساله می‌شود، ناآرامی‌های کنونی در جهان عرب را هشداري بر رهبران خودکامه آن خواند و گفت: آنها باید بداندن که نمی‌توانند برای همیشه بمانند و در آخر این صدای مردم است که تصمیم‌گیرنده است. رہبر شوروی سابق تأکید کرد که دولتی که بدون مشروعیت باشد، بی‌ثبات است. به گزارش ایسنا، گورباچف همچنین در مصاحبه‌ای با روزنامه وال استریت ژورنال از قدرت دولتی روسیه به‌خاطر نابود کردن آزادی بیان و انتخابات انتقاد کرد و گفت: اگر این وضع ادامه یابد، احتمال پیاده شدن سناریوی مصر بیشتر خواهد شد و شاید حتی بدتر از آن باشد. طی ماه‌های اخیر این اولین مطلب انتقادی در حق ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر و دیمیتری مدودف، رئیس جمهور روسیه نیست. به گفته گورباچف، آنها خود



را «منجی مپهن» دانسته و برای حفظ قدرت شخصی خود نهایت تلاش‌ها را به عمل می‌آورند. گورباچف همچنین از اظهارات ولادیمیر پوتین و دیمیتری مدودف درباره تلاش آنها برای برقراری دموکراسی استقبال کرد ولی افزود: بوی تقلب به مشام می‌خورد زیرا این اظهارات رهبران فعلی کشور به وسیله تغییرات واقعی اثبات نشده است.

«انکسای انقلاب‌های مصر و تونس در کشورهای عربی»
تا چندی پیش گفته می‌شد که تقریباً تمام کشورهای عربی و شمال آفریقا توسط حاکمی به نام «پیر» رهبری می‌شوند و به نظر می‌رسید که در این کشورها به‌رغم وجود ظاهری دموکراتیک و برگزاری انتخابات و تشکیل پارلمان، قدرت و اختیارات از پدر به پسر و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

به گزارش ایسنا، خبرگزاری شینهوا در گزارشی در بررسی شرایط کنونی این منطقه آورده است:

«تا پیش از فروپاشی دولت حسنی مبارک که به دنبال ۱۸ روز اعتراض گسترده در قاهره تحقق یافت، انتظار می‌رفت وی قدرت و اختیاراتش را به فرزندش جمال مبارک تحویل دهد. اعتراض‌ها در مصر تنها چند روز پس از اعتراض‌های مشابه در کشور همسایه تونس آغاز شد. تونس برای مدت طولانی شاهد حکومت مستبدانه زین العابدین بن علی، رئیس‌جمهور سابق این کشور بود، وی نهایتاً به دنبال اعتراض‌های گسترده به عربستان گریخت. افزون بر مصر، موج اعتراض‌ها به یمن، اردن و بحرین کشیده شده است. تحلیلگران می‌گویند پیش‌بینی اینکه تأثیر اعتراض‌ها در کدام کشور مانند تأثیر آن در مصر و تونس خواهد بود، امری بسیار دشوار است. با این حال پیش‌شرط لازم در منطقه وجود دارد. میزان بالای بیکاری جوانان، فقدان نفوذ سیاسی این قشر و چشم‌اندازهای ضعیف آینده از جمله عواملی هستند که می‌توان در توجیه اعتراض‌ها به آن اشاره کرد. یکی دیگر از ابعاد مهم این است که اعتراض‌ها در تونس عامل گسترش و تحریک‌کننده فعالان در منطقه بوده است. احمد سعدی از دیار تمان دولت و سیاست‌ها در دانشگاه بن گربون تل آوی می‌گوید: آنچه در تونس و مصر به وقوع پیوست ممکن است در سایر کشورهای خاورمیانه نیز اتفاق بیفتد. با این حال، وی بیان اینکه کدام کشور در چه زمانی شاهد این رخداد خواهد بود را غیر ممکن دانست. سعدی می‌گوید: برخی شرایط پایه‌ای وجود دارند. این شرایط در سایر کشورها نظیر الجزایر، یمن، اردن و بحرین قابل ملاحظه هستند. همیشه یک رویداد خاص هست که به تشدید اوضاع منجر می‌شود و هرگز نمی‌توان گفت این رویداد در چه زمانی، به چه دلیلی و چگونه صورت می‌گیرد. وی با اشاره به اینکه وجود پیش‌شرط‌ها تنها به کشورهایی که در آنها تظاهرات جریان دارد محدود نمی‌شود، خاطرنشان کرد: کشورهای نظیر مراکش که ناراضیاتی نسبت به رژیم در آن بسیار بالاست، احتمالاً گزینہ‌های بعدی خواهند بود. ما در خاورمیانه در زمان و شرایط خاص به سر می‌بریم. یکی از نخستین کشورهایی که بزایاب اعتراض‌ها در آن مشاهده شد، اردن بود. با این حال موضوع مورد تمرکز تظاهرکنندگان اردنی متفاوت است. یک سیاستمدار اردنی می‌گوید: آنچه در مصر به وقوع پیوست، در اینجا (اردن) اتفاق نخواهد افتاد. ما مشکلی با رهبران نداریم. مساله ما نیاز به اصلاحات است. تظاهرکنندگان در اردن خواستار برکناری ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن نشده‌اند اما به جای آن برای برپایی بهبود اوضاع اقتصادی ملی و از بین رفتن محدودیت‌های آزادی بیان و تجمع تأکید داشته‌اند. تاکنون واکنش ملک عبدالله دوم در قالب منصوب کردن یک نخست وزیر جدید برای نظارت بر اصلاحات اقتصادی بوده است. سعد هایل السورو، وزیر کشور اردن در واکنش به فشار عمومی گفته است که اعتراض‌ها دیگر به تأیید دولت نیازمند نخواهد بود.

جهان

در سالگرد ترور حاج رضوان منتشر شد

جزئیات ترور عماد مغنیه به روایت موساد



در مجاورت فلسطینی‌ها بزرگ شد، او به سازمان آزادیبخش فلسطین پیوسته، تحصیلات راهنمایی را رها و به جنبش فتح ملحق شد. گفته‌اند که وی نگهبان شخصی «ویو ایاد» (جاشین عرفات) بوده؛ او بعد از مدتی به خدمت «گروه ۷» که یگان امنیتی سازمان بود، درآمد؛ اما زمانیکه پس از جنگ سالمه الجلیل در سال ۱۹۸۲، سازمان آزادیبخش فلسطین از لبنان اخراج شد، مغنیه، ماندن در بیروت را ترجیح داده و به هسته اولیه مؤسین حزب‌الله پیوست. بر اساس گزارش دیپعوت این مرد، در سایه بودن و ظاهر نشدن در ملا عام را ترجیح داد و گزارش‌ها پیرامون وی ناقص و پیچیده است. بنا بر یکی از گزارش‌ها، مغنیه محافظ شخصی علامه فضل الله مرجع فقید شیعیان در لبنان بوده است. طبق گزارشی دیگر، وی فرمانده مغز متفکر عملیات‌های منطقه‌ای بوده که نتایجی خونین را بدنبال داشته است. برخلاف سید حسن نصرالله رهبر فعلی حزب‌الله، مغنیه در تلویزیون حاضر نمی‌شد. عماد مغنیه به ادعای این کتاب یک تروریست آمبارز سرسخت و مبتکر بوده است. درخشش وی در جریان طراحی و فرماندهی سلسله عملیات‌های کشتار جمعی لبنان در اواخر جنگ اول لبنان نمود داشته است. وی زمانیکه یک کامیون پر از مواد منفجره را با هدایت تعدادی فرانسوی در بیروت فرستاد، تنها ۲۱ سال داشت. چند روز بعد، همین حادثه علیه مقر فرماندهی اسرائیل در صور تکرار شد. مغنیه در ۲۲ سالگی یک گروه از مبارزان را به سمت ساختمان سفارت آمریکا در کویت فرماندهی و همانجا اولین هوایمیای خود را ربود. مغنیه پس از هر عملیات از محل فرار می‌کرد، گویی که زمین او را بلعیده باشد. به ادعای این کتاب صهیونیستی، عماد مغنیه در ۲۳سالگی هوایمیای TWA در ۱۰ مسیر یونان به رم رود و خلبان را وادار به فرود در فرودگاه بیروت کرد؛ در جریان ربودن هوایمیا، «برارت دین استاهام» غواص ناوگان به قتل رسیده و جنازه‌اش از پنجره هوایمیا به بیرون پرتاب شد. مغنیه بعد از عملیات ربودن هوایمیا فرار کرد؛ اما این بار اثر انگشتش در دستشویی هوایمیا جا گذاشت.

مغنیه و سال‌ها دروغ‌پردازی علیه وی

به‌دنبال انفجار در برج‌های دوقلوی،اف‌بی‌آی، با انتشار ضمیمه‌ای حجیم، لیست تروریست‌هایی که بیشتر تحت تعقیب هستند را اعلام کرد. این اطلاعیه، آرم اف‌بی‌آی، وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری آمریکا را به همراه داشت. در این لیست ۲۲ اسم و ۲۲ عکس وجود داشت، در ردیف نخست این لیست عماد مغنیه حضور داشت که آمریکا آن را برای سیاست‌های خود از همه خطرناک‌تر می‌دانست و برای کشتن وی پنج میلیون دلار جایزه تعیین کرده بود.

امریکا در این بیانیه وی را به انفجارهای متهم کرده است؛ که در آنها تعداد زیادی آمریکایی کشته شده‌اند: ۱۸ آوریل ۱۹۸۳ – انفجار سفارت آمریکا در بیروت– ۶۳ کشته. ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ – انفجار فرماندهی نیروهای مبارز آمریکایی در بیروت – ۴۴ کشته. ۲۲ اکتبر ۱۹۸۳ – انفجار فرماندهی چترپازان فرانسوی در بیروت – ۵۸ کشته. به‌غیر از این موارد، ربودن و قتل «ولیم بالکی» از اعضای آژانس اطلاعاتی مرکزی ایالات متحده و یک سلسله عملیات در سفارت آمریکا در کویت و نیز ربودن هوایمیای مسافربری متعلق به شرکت آمریکایی TWA، و دو هوایمیای شرکت هوایمیایی کویت و به قتل رساندن کولنل هیکمن از نیروهای نظارتی سازمان ملل در جنوب آمریکا و قربانی کردن ۱۰ سرباز آمریکایی در عربستان سعودی از جمله اتهاماتی است که آمریکا به این مبارز لبنانی نسبت داد.

زمانی که این لیست به دست رژیم صهیونیستی رسید، موساد مواردی را به آن افزود: ۴ نوامبر ۱۹۸۳ – انفجار فرماندهی ارتش صهیونیستی در صور – ۶۰ کشته. ۱۰ مارس ۱۹۸۵ – حمله به کاروان ارتش صهیونیستی در نزدیکی مطنه – ۱۲ کشته. ۱۹ آوریل ۱۹۸۸ – هدف قرار دادن فرمانده ارتش صهیونیستی نزدیک اکتبه – ۸ کشته. ۱۷ مارس ۱۹۹۲ _ انفجار در سفارت اسرائیل در آرژانتین – ۲۹ کشته. ۱۸ تیر ۱۹۹۴ – انفجار مرکز یهودیان در بوتنس آیرس آرژانتین – ۸۶ کشته

به‌غیر از این اینها، مواردی همچون، ربودن سه سرباز در مزارع شیعا، ربودن «حنا تنتنبوم» و عملیات تیراندازی در نزدیکی شهرک صهیونیستی کبیوتس متسופا و مهم‌تر از همه ربودن دو سرباز به نام‌های ریگف و گولدفاسر در مرزهای لبنان نیز از سوی اسرائیل به این لیست اضافه شده است. آمریکا و اسرائیل مدعی بودند در پشت همه این عملیات‌ها یک نفر وجود دارد، فردی مخفی که در میان پایتخت‌های خاورمیانه حرکت کرده، این در حالی است که آنها در برخی از این اتفاقات مدعی بودند که ایران مسئول انجام این انفجارهاست، اما این بار منافع خود را در آن دیده بودند که مغنیه را در این مورد متهم کرد. وی از دست عکاسان فرار کرده و انجام مصاحبه را رد می‌کند. دستگاه‌های اطلاعاتی غربی مغنیه را به شیعی تشبیه می‌کنند که گاهی هست و گاهی نیست. بسیاری از اقدامات مغنیه شناخته شده اما دیگر در مورد قیافه، عادات و مکان او چیزی معلوم نیست. روشن است که وی سال ۱۹۶۲، در یکی از روستاهای جنوب لبنان به دنیا آمده، برخی این روستا را طبر دیا دانسته و برخی دیگر اطلاعات مختلفی را مطرح کرده‌اند.

مغنیه سال‌ها سازمان‌های جاسوسی دنیا را سرگردم کرد
بنا بر اطلاعات موفق، والدین مغنیه از شیعیان مذهبی بوده‌اند؛ وی در سنین کودکی به بیروت رفته و در محله فقیری

شود. بنابراین ترجیح دادند خود را به ندانستن زده و به او اجازه ادامه سفر را بدهند. سازمان‌های آمریکایی تلاش کردند مغنیه را سال ۱۹۸۶ در اروپا و سال ۱۹۹۵ در عربستان دستگیر کنند، ولی مثل همیشه از دست آنها فرار کرد. در آن سال‌ها مغنیه به شدت مشغول برنامه‌ریزی و اجرای عملیات علیه اسرائیلی‌ها و یهودیان در آرژانتین بود، سال ۱۹۸۸ در نزدیکی سفارت بوینوس آیرس، بر انفجار یک کامیون بمب‌گذاری شده که توسط یک عامل انتحاری هدایت می‌شد، نظارت داشت و ۲۹ نفر را به قتل رساند. بلافاصله شمارش از سران دستگاه‌های امنیتی این عملیات را به حزب‌الله ارتباط دادند و معتقد بودند این عملیات، انتقامی بود در پاسخ به ترور موسوی که در حملات بالگردهای اسرائیلی در جنوب لبنان به شهادت رسید. با گذشت دو سال، بار دیگر طی عملیاتی در مرکز یهودیان در بوینوس آیرس، ۸۶ نفر به قتل رسیدند که به اعتقاد برخی این عملیات نیز پاسخ حزب‌الله در ربودن شیخ مصطفی دیرانی بوده است.

*** ترور نافرجام**

در دسامبر ۱۹۹۴، مغنیه در لبنان دیده شد و طی مدت رانندگی کوتاه، تلاش برای ترور وی توسط یک خودروی بمب‌گذاری شده در جنوب بیروت انجام پذیرفت. پلیس لبنان نتایج به‌دست آمده را اینگونه منتشر ساخت: یک بسته انفجاری زیر خودرویی نزدیک به مسجدی که علامه فضل‌الله در آن خطابه داشت، جاگذاری شده بود که انفجار سبب ویرانی مغازه «فؤاد مغنیه» برادر عماد شد و جسد وی در میان ویرانه‌ها پیدا شد. اما عماد مغنیه که گمان می‌رفت باید در مغازه باشد به آنجا نیامده بود و بدین ترتیب همچنان زنده ماند.

به فاصله کوتاهی پس از انفجار، دستگاه‌های امنیتی لبنان با همکاری حزب‌الله شماری از عوامل موساد را در عملیات قرار داشتند و در رأس آنها مردی به‌نام احمد خالق بود، بازداشت کردند. در یک اطلاعیه رسمی‌اعلام‌شد که خالق و همسرش، خودروی خود را نزدیک مغازه فؤاد مغنیه پارک کردند و خالق برای اطمینان از حضور مغنیه در مغازه وارد آن شد، با وی دست داد سپس به خودرو بازگشت و بمب را به کار انداخت.

روزنامه لبنانی «السفیر» به نقل از منابع آگاه نوشت که احمد خالق در قبرس، با یکی از فرماندهان بلندپایه موساد دیداری داشته که وی دستورات لازم را به خالق داده و حدود ۱۰۰ هزار دلار جهت اجرای عملیات در اختیار وی گذاشته است. این بار با مغنیه نجابت پیدا کرد، اما عوامل موساد دست‌بردار نبودند؛ با تلاش پیوسته، اطلاعات را جمع و به تطبیق میان اظهارات دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی و انواع روش‌های عملیاتی می‌پراختند. عماد مغنیه در سال‌های اخیر، رئیس ستاد عالی حزب‌الله شد، بسیاری در سازمان او را جاشین نصرالله می‌دانستند. جایگاه بالای مغنیه او را وادار می‌کرد به نشانه محتاطانه عمل کند. این بار شایعاتی مطرح شده بود که مغنیه با کمک جراحی پلاستیک، چهره ظاهری خود را تغییر داده است. **سرنخ‌هایی از مغنیه**
بنا بر اظهارات نشریات خارجی، با پایان جنگ دوم لبنان، موساد به اظهارات مخالف حزب‌الله را در داخل لبنان به خدمت گرفت. یکی از این مخالفان خواهرزاده‌ای در روستای محل تولد مغنیه داشت که اظهار کرده بود مغنیه به اروپا سفر کرده و با چهره‌ای کاملاً متفاوت به لبنان بازگشته است. بدین ترتیب با عاملان موساد با یک هدف غیرواعادی روبرو بودند، مغنیه را جراحی پلاستیک، جاسوسان موساد با توجه به امکان انجام عمل جراحی در یکی از کشورهای اروپایی، شروع به تحقیق کردند و معلوم شد که وی در برلین پایتخت آلمان، تحت عمل جراحی قرار گرفته است. به گفته «گوردون توماس» خبرنگار و پژوهشگر انگلیسی، جاسوس موساد ملقب به «ابن خلدون» میلغ آلمانی که روابط پنهانی در برلین شرقی دارد، متوجه شد که طی عمل‌های جراحی بر روی مغنیه، فک پایین وی با مهارت شکافته شده و استخوانی که از وی گرفته شده بود در آن کاشته شد تا چهره‌ای باریک‌تر به مغنیه بدهد؛ این عمل، ظاهری لاغر و نرم به مغنیه داده بود که در گذشته متعلق تعدادی از ندان‌های جلوبی او خراج و به جای آن دندان‌های وی ظاهری دیگر کاشته شده؛ همچنین چشمه‌ها و دندان کشیده شدن شدید پوست اصلاح شدند. برای تکمیل چهره جدید، موی مغنیه خاستگی رنگ شده و به جای عینک از لنز استفاده شد. مشخص بود، ظاهر جدید هیچ شباهتی به اصل مغنیه ندارد و تمامی تصاویر قدیمی‌که سازمان‌های اطلاعاتی غربی از دهه ۸۰، در اختیار داشتند کاملاً از ارتباط با این چهره جدید بود.

برنامه‌ریزی گسترده موساد برای ترور

یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۸۹

تحلیل

نقش البرادعی در آینده

محمد البرادعی،عنوان فردی که خود را به‌عنوان «عامل تغییر» توصیف می‌کند، دارای مشخصه‌هایی چندانگه است. طی چند هفته گذشته محمد البرادعی، دیپلمات کهنه‌کار، وکیل بین‌المللی و برنده جایزه صلح نوبل، به عنوان چهره جناح مخالف و کاندیدای احتمالی برای جایگزینی حسنی مبارک، رئیس‌جمهور سابق مصر مطرح شده است. با این حال واکنشگتن و تل‌آویو در خصوص این فرد ۶۸ ساله دچار ظن و تردید هستند و مهم‌تر از آن، شهروندان پرجمعیت‌ترین کشور جهان عرب، از زمان بازگشت البرادعی در ۲۷ ژانویه (۷ یهمن) سال جاری، به ندرت از وی حمایت کرده‌اند. بازگشت البرادعی سه روز پس از آغاز اعتراض‌های خیابانی مردم علیه رژیم مبارک به‌وقوع پیوست. در حقیقت یکی از نکات مهم در خصوص جنبش مردم مصر فقدان یک رهبر منحصر به فرد بود. به نظر می‌رسد که مردم مصر به البرادعی احترام می‌گذارند، اما با توجه به اینکه وی برای مدت طولانی در مصر حضور نداشته، دید مردم نسبت به وی محتاطانه است. ارتش نیز در خصوص البرادعی با احتیاط برخورد می‌کند. این در حالی است که افرادی که با البرادعی آشنایی دارند، می‌گویند احتمالا وی تنها فردی است که مصر نیاز دارد. در مصاحبه‌هایی که طی هفته گذشته انجام شده، تعدادی از مشاوران ارشد و دیپلمات‌هایی که با البرادعی همکاری نتگانتگی داشته‌اند، وی را به عنوان فردی که کاریزماتیک و خوش بیان و مدبری که مهارت‌های مدیریت و توانایی بالقوه برای الهام بخشیدن به مردم را دارد، می‌دانند. البرادعی علناً خود را به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری مصر اعلام نکرده اما روی هم رفته این موضوع را رد نکرده است. وی این درخواست را دارد که رئیس‌جمهور آتی بین ۴۰ تا ۶۰ سال داشته باشد و در عین حال اعلام کرده که آماده است برای انتقال قدرت به نظام دموکراسی در مصر، اقدامات لازم را انجام دهد تا حقوق بشر و شأن افراد مورد احترام قرار گیرد.

البرادعی چند روز پیش از برکناری حسنی مبارک در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز خاطرنشان کرد: در حال حاضر جهان عرب در وضعیت استثنای است اما شاهد شش یا هفت جنگ داخلی هستیم. وی افزود: مصر همواره لاکوموتیوی برای تغییر، مدرنیته و اعتدال به شمار رفته است. جهانی بودن شخصیت البرادعی از دیدگاه بسیاری یک مزیت به شمار می‌رود. در عین حال این موضوع برای برخی دیگر عامل به وجود آمدن تردید نسبت به وی است. زمانی



که البرادعی برای مخالفت با مبارک در اوایل سال‌جاری به مصر بازگشت، مقامات مصری طرفداران وی را مورد آزار و اذیت قرار دادند و رسانه‌های رسمی سعی کردند با بیان اینکه وی چیزی در خصوص مصر نمی‌داند و تجربه سیاسی مربوطه را ندارد، وی را به یاد متسخر بگردنند. موضوع حائز اهمیت این است که البرادعی با ارتش که عامل کلیدی در قدرت سیاسی مصر به شمار می‌رود، رابطه‌ای ندارد. در عین حال، بازگشت البرادعی به قاهره درست همزمان با نقطه اوج تظاهرات صورت گرفت. مقامات آمریکایی تمایلی به صحبت علنی در خصوص فردی که رهبری مصر را برعهده بگیرد، ندارند. با این حال آن‌ها ششک دارند که با البرادعی فردی مصمم و قاطع برای ایفای نقش در سیاست مصر است یا خیر. البرادعی همچنین منتقدانی در واشنگتن، اسرائیل، لندن، برلین و پاریس دارد و در این میان در اسرائیل بیشتر مورد ظن و تردید قرار دارد. بسیاری از مقامات اسرائیلی در مصاحبه با خبرگزاری رویترز گفته‌اند: حمایت البرادعی در آژانس بین‌المللی انرژی برای امری ایجاب منطقه‌ای بدون تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه که در قالب درخواست برای از بین بردن زرادخانه‌های هسته‌ای اسرائیل بازخورد دارد، اقدامی یک‌جانبه است. این موضوع ممکن است اسرائیل را در معرض حملاتی از سوی خاورمیانه قرار دهد. البرادعی اعلام کرد: من با اسرائیلی‌ها مخالفم به‌را که با آمریکایی‌ها مخالفم. یکی از این مخالفت‌ها مربوط به جریان مباربان تالیسستانی در سوریه در سال ۲۰۰۷ است که مقامات آمریکایی و اسرائیلی اعلام کردند یک راکتور هسته‌ای سوریه بوده که به کمک کره‌شمالی ساخته شده بود. یک مقام سابق اسرائیل تصریح کرد: البرادعی زمانی که اسرائیل را در این ماجرا مقصر دانست، در حد فراطر گذاشت. یک دیپلمات دیگر خاطرنشان کرد: البرادعی اقدام اسرائیل را به عنوان خصومت ورزی، حمله شخصی و رای عدم اعتماد به وی در نظر گرفت. اسرائیلی‌ها به این نتیجه رسیدند که البرادعی قابل اعتماد نیست و باید خود برای حل مساله اقدام کنند. البرادعی عدم موافقت خود با سیاست‌های اسرائیل خصوصاً درباره مسائل مربوط به فلسطین را پنهان نمی‌کند، وی در مصاحبه با خبرگزاری رویترز گفت: اسرائیل اینجاست تا بماند. این عقیده که مصر به عنوان کشوری دموکراتیک، قرارداد صلح (سال ۱۹۷۳) را لغو و به جنگ با اسرائیل می‌رود، کاملاً نامعقول است. هیچ کس نمی‌خواهد شاهد جنگ و درگیری دیگری باشد. با این حال وی همچنین این موضوع را آشکار ساخت که امنیت اسرائیل نهایتاً به حل فصل مساله فلسطین و ایجاد کشور فلسطین مستقل وابسته است. البرادعی تصریح کرد: ما متوجه این موضوع هستیم که آنها (اسرائیل) باید دارای امنیت باشند و مرزهایشان به رسمیت شناخته شود، اما چنانچه در تجاوز به قلمرو فلسطین ادامه دهند، به امنیت خود کمکی نخواهند کرد. شما نمی‌توانید یک کتاب عربی در اسرائیل یا یک کتاب اسرائیلی در قاهره منتشر کنید آنچه شما،ان را صلح می‌نامید، تعریفی محدود از این مفهوم است. به گزارش ایسنا، خبرگزاری رویترز در گزارشی به نقش دبیرکل سابق آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای پرداخته است. کنیت برل، فرستاده سابق آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که شناخت خوبی از این فرد مصری دارد، تصریح کرد، یکی از نقاط مثبت البرادعی این است که با رژیم مبارک ارتباط ندارد.